

نقدی بر فرآیند تهیه طرح هادی روستایی

یاسر زارعی *

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۸۸/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۸۸/۰۷/۰۴

چکیده:

معمولاً آنچه در بیان هدف طرح هادی گفته می‌شود، ایجاد بستر لازم برای توسعه، رشد و بالندگی روستای یک افق ۱۰ ساله است. براساس ماده ۷ اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مصوب آذر ماه ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی این مهم بر عهده بنیاد گذاشته شده است و دستگاههای ذیربط موظفند هماهنگی با این نهاد را در دستور کار خود قرار داده و مردم نیز در این امر مشارکت نمایند. فرآیند تهیه طرح هادی عموماً طولانی و دارای مشکلاتی است که بیان آنها در جهت برنامه‌ریزی و ساماندهی مسیر تولید هر طرح منجر به نزدیک شدن به اهداف اصلی نهفته در ماهیت آن خواهد گردید. آنچه در این نوشتار بیان می‌شود در واقع نقدی است بر کل روند تهیه طرح و ارائه راه حل‌های کارا. به عبارت دیگر، هدف باز کردن پنجره‌ای است به سوی کرانه‌های بی‌کران تهیه طرح و رویکرد نقادانه به آن. بنابراین هدف تنها بیان چالشها نیست بلکه به چالش کشیدن چالشها است.

واژگان کلیدی: طرح هادی، فرآیند، عوامل تهیه، قوانین و راهکارها.

مقدمه

مصرف کنندگان نهایی از دست داد. زیرا مدرنیسم نتوانست پیوندهای موثری با شهر و تاریخ برقرار سازد. بی شک انگیزه اصلی تولد معماری پست مدرن شکست اجتماعی معماری مدرن بود که مرگ اسطوره‌ای آن در طول سالیان گذشته بارها اعلام شده است. " (جنکز، ۱۳۷۶، ۱۶) "قطعات پیش ساخته ارزان، فقدان حریم‌های شخصی و مجتمع‌های

توجه به مناطق روستایی و تلاش برای بهسازی و تجدید حیات بافت روستا به شکل امروزی اش در دنیا شاید از نیمه دوم قرن بیستم آغاز شده باشد. یعنی زمانی که ظهور تفکر پسا مدرن در معماری عمیقاً بر ساخت و سازها شهری تاثیر گذاشت. "معماری مدرن اعتبارش را تا اندازه‌ای به خاطر شکست در ایجاد ارتباط موثر با

* کارشناس ارشد معماری از دانشگاه علم و صنعت تهران؛ کارشناس فنی و مطالعات طرح های هادی روستایی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی خراسان رضوی؛ مدرس دانشگاه آزاد اسلامی و موسسه آموزش عالی خاوران مشهد.

مسکونی بیگانه با انسان چیزهایی بود که میراث دوران مدرنیسم به شهرسازی محسوب می‌شد. " (جنکز، ۱۳۷۶، ۱۸)

هرچند از همین زمان احیاء روستاها به صورت جدی مطرح شد ولی ریشه‌های آن در سالهای آغازین قرن بیستم کمابیش مطرح شد. در سال ۱۹۱۸ واژه Rural Urban (تلفیق واژه Rural+Urban) برای نخستین بار مورد توجه مجامع علمی قرار گرفت که به لحاظ گستره معنایی بر خصوصیت توأمان شهر و روستا تمرکز داشت. در سالهای اخیر با مطرح شدن مساله توسعه پایدار (Sustainable Development) و مشکل کمبود انرژی بار دیگر روستا و حفظ و بازسازی بافت آن مورد توجه قرار گرفته است. همچنین با بالا رفتن هزینه‌های زندگی شهری، توانایی سکونت در شهرهای امروزی برای نسل‌های جدید عملاً غیر قابل تحمل است. این چالشها باعث شده است تا ما شاهد باروری حومه‌ها و روستاهایی که در محدوده شهرها واقعند، باشیم. واژه شهر روستایی یا Rural City که توسط ویل آل‌سوپ در سال ۲۰۰۳ مطرح شد نشان می‌دهد که دامنه این تفکرات حتی به حوزه واژگان و ادبیات حرفه‌ای نیز وارد شده است.

با این تفاسیر، دیدگاه جهانی نسبت به روستا حکم می‌کند که برای رفع این چالشها و ورود به عرصه جهانی توسعه روستایی راهکاری اساسی اندیشیده شود. در کشور ما سابقه توجه به این مساله شاید به دوران آغازین پس از انقلاب اسلامی برسد. یعنی دوره‌ای که همزمان با تأسیس و شکل‌گیری بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ضرورت توجه به توسعه موزون روستایی نیز احساس شد. براساس ماده ۷ اساسنامه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مصوب آذرماه ۱۳۶۶ که در مجلس

شورای اسلامی به تصویب رسید وظیفه تهیه طرح هادی و اصلاح معابر روستاها با هماهنگی دستگاههای ذی ربط و اجرای آن با مشارکت مردم از محل اعتبارات مصوب واگذاری دولت به بنیاد مسکن واگذار شده است. (دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۳، ۱۰۲)

بنیاد در راستای این مصوبه اهم فعالیت خود را بر تهیه و اجرای طرح هادی روستایی گذاشت و در طی نزدیک به ۳۰ سال فعالیت خود توانست توسعه روستاهای کشور را به میزان قابل ملاحظه‌ای ساماندهی نماید. در واقع ادبیات طرح هادی طی این دوره به صورت جدی‌تری مطرح شده است و این طرح به ابزاری برای کنترل رشد مهار گسیخته و ناهمگون بسیاری از روستاها تبدیل شده است. "برنامه‌های مقطعی عمران شهری و منطقه‌ای که تاثیر بسیار مهمی را بر روستاها گذاشته، روز به روز باعث عقب نشینی روستانشینی در مقابل شهرنشینی شده است. همچنین تمرکز بیشتر جمعیت در نواحی شهری و آثار ناموزون ناشی از مهاجرت نیز اثر تخریبی داشته است. برای حل این مشکلات که به ویژه پس از اصلاحات ارضی و شروع به صنعتی شدن کشور نضج گرفته، برنامه های عمرانی متعددی در کشور در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی مراکز سکونت انجام شده است." (شیعه، ۱۳۷۶، ۱۶۲)

مهمترین مشکل روستاها گذشته از منابع درآمدی و بودجه‌ای، بیشتر در ارتباط با سه عامل زیر است:

- مشکل تعدد بیش از حد روستاها و مسائلی که در این باره مطرح است.

- مشکل کمبود نیروهای متخصص و ناهمخوانی در زمینه احداث تاسیسات رفاهی به نسبت جمعیت روستاها

- مشکل مدیریت بر روستا از نظر قطبهای اقتصادی، کشاورزی و اداری (شیعه، ۱۳۷۶، ۱۶۴)

آنچه که در کشور ما از آن به نام طرح هادی نام برده می‌شود، طرحی است که ضمن ساماندهی و اصلاح بافت موجود میزان و مکان گسترش آتی و نحوه استفاده از زمین برای عملکردهای مختلف از قبیل مسکونی، تولیدی، تجاری و کشاورزی و تاسیسات و تجهیزات و نیازمندی‌های عمومی روستایی را حسب مورد در قالب مصوبات طرحهای ساماندهی فضا و سکونتگاههای روستایی یا طرحهای جامع ناحیه‌ای تعیین می‌نماید. (دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۳، ۱۳۳) با بیان مختصر می‌توان طرح هادی را "طرح تجدید حیات و هدایت روستا با لحاظ ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی دانست" (آسایش، ۱۳۸۳، ۷۸) همچنین با عنایت به دوره زمانی طرح و توجه به کمیت زمان می‌توان گفت: طرح هادی روستا درحقیقت ایجاد بستر لازم برای توسعه، رشد و بالندگی روستا طی یک افق ۱۰ ساله است.

این در حالی است که اصولاً طرح هادی و طرح‌های جامع که در واقع گسترشی از طرح هادی محسوب می‌شوند، در نظام بین المللی طرحها دارای عناوین مختلفی می‌باشند که هر کدام به تناسب موقعیت و با توجه به ضرورت تهیه و به اجرا گذارده می‌شوند. از این جمله می‌توان به Local Plan، Master Plan، Comprehensive Area، Structure Plan، Design Strategy، Strategy Development، Plan و غیره را نام برد. اساساً اولین مشکل طرح هادی

از همین نقطه شروع می‌شود یعنی جایی که به دلیل وسعت تعاریف و مفاهیم که عمدتاً ماهیت شهری دارند و برخاسته از برنامه های کلان اند، ایده و ساختار روستا در این هزارتوی معنا گم می‌شود. کافیت به شرح مختصری که ازبرخی عناوین بالا در چارچوب تعاریف طرحها آمده است، نظری بیفکنیم:

Master Plan:

دیاگرام یا طرح واره‌ای که نشان می‌دهد یک سایت یا منطقه چگونه توسعه پیدا کند. (کوان، ۱۳۸۶، ۲۳۵)

Local Plan:

طرح توسعه یک منطقه را بیان می‌کند. اینکار به وسیله اختصاص کاربری‌های ویژه توسط یک پلان پیشنهادی با مرزهای دقیق و یک گزارش مکتوب برای هر کاربری ارائه می‌شود. (کوان، ۱۳۸۶، ۲۲۴)

Structure Plan:

یک طرح ساختاری که سیاستهای کاربری زمین را برای بوسیله یک گزارش مکتوب و یک دیاگرام و نه نقشه نشان می‌دهد. (کوان، ۱۳۸۶، ۳۷۷)

Comprehensive Area Strategy:

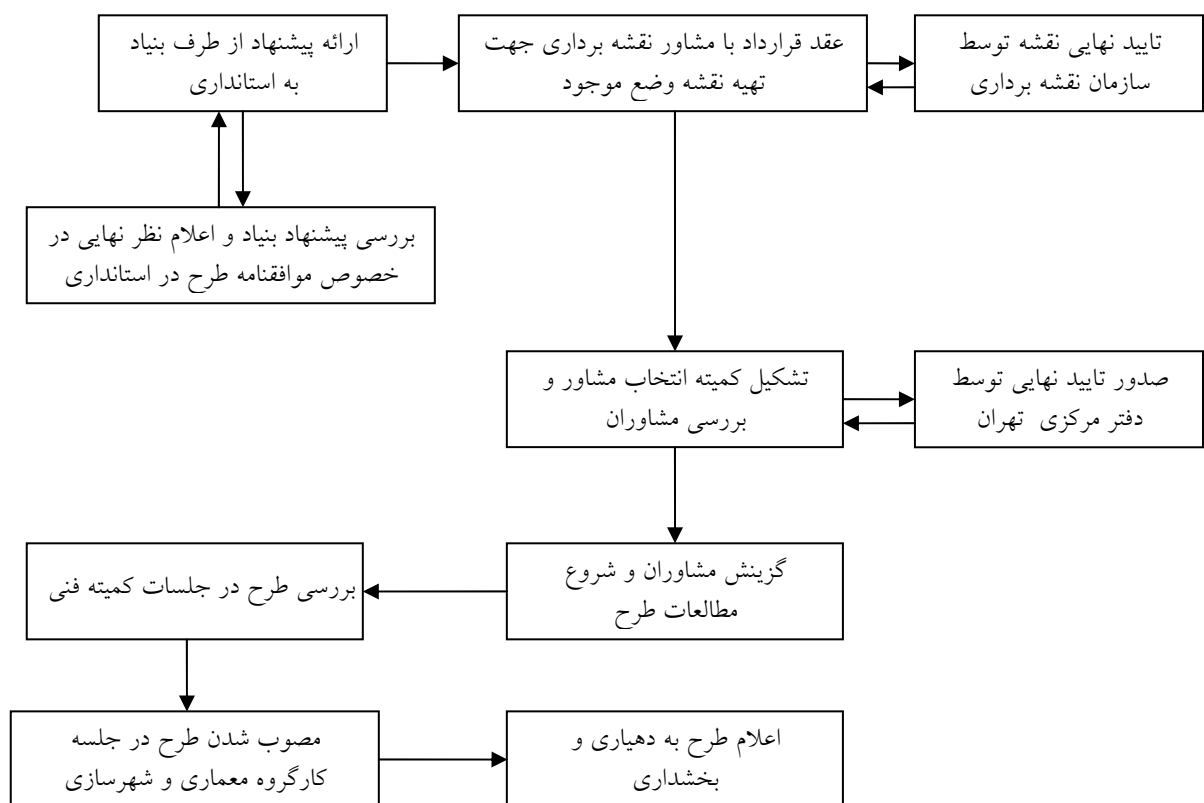
سندی که دید بلند مدت یک منطقه را با طرحی که چگونه این دید حاصل خواهد شد و جزییات برنامه آن مشخص می‌کند. (کوان، ۱۳۸۶، ۸۴)

هرکدام از تعاریف بالا را به راحتی می‌توان به گونه ای اصلاح شده برای طرح هادی روستایی نیز در نظر گرفت. ولی نهایتاً اگر هرکدام از جملات بالا را به عنوان گام اول برای شروع بپذیریم باید به چگونگی توسعه آن و برنامه‌ای که اصولاً برای تشریح روند تهیه طرح طی می‌شود، نیز بیندیشیم.

شرح فرآیند تهیه طرح

از آنجا که برای نقد هر چیز باید آن را به خوبی شناخت ابتدا بر شرح مختصر روندی که برای تهیه هر طرح هادی طی می‌شود می‌پردازیم. قدم اول پیشنهاد بنیاد مسکن به معاونت برنامه ریزی استانداری (سازمان مدیریت سابق) برای تهیه طرح هادی یک روستا است که پس از ارزیابی و جمع بندی نظرات کارشناسی شعب شهرستان و هماهنگی با کارشناسان حوزه معاونت عمران روستایی انجام می‌پذیرد. گام بعد تهیه نقشه وضع موجود روستا است که پس از عقد قرارداد با مشاوران نقشه برداری و کنترل نقشه توسط سازمان نقشه برداری، نقشه تهیه شده تحویل بنیاد شده تا برای بستن قرارداد با مشاوران طرح هادی اقدام لازم صورت

پذیرد. پیش از عقد قرارداد، ابتدا کمیته‌ای به نام کمیته انتخاب مشاور تشکیل شده که پس از بحث و بررسی اقدام به گزینش مشاوران می‌کند و خلاصه صورتجلسه مورد بحث به دفتر مرکزی تهران برای تایید نهایی فرستاده می‌شود. پس از تصدیق دفتر مرکزی در مورد مشاوران منتخب با آنها قرارداد منعقد می‌شود و در واقع از این مرحله است که کار تهیه به صورت جدی آغاز می‌گردد. مطالعات عموماً چندین ماه به طول می‌انجامد و با برگزاری جلسات کمیته فنی به تصویب نهایی نزدیک می‌شود. پس از برگزاری جلسه کارگروه معماری و شهرسازی طرح مصوب تلقی شده و به دهیاری و بخشداری و بنیاد شعب برای بهره برداری اعلام می‌گردد.



نقد فرآیند طرح

در نقد روندی که برای رسیدن به طرح هادی طی می شود می توان با دو دیدگاه اصلی به موضوع نگریست:

۱. نگاه کل گرایانه Holistic

این دیدگاه اصولاً بر جلوه خارجی یک سیستم به عنوان یک کل می نگرد و به نقد روابط بیرونی می پردازد. با نگاه کلی به فرایند تهیه طرح می توان بیان کرد:

۱-۱- برخورد کمی صرف به جای نگاه کمی توام با کیفیت

البته این سخن منحصر به طرح هادی نیست و می توان آن را با درجه ای از تغییرات در مورد تقریباً تمام پروژه ها و فعالیت های کشوری بیان کرد. لیکن آنچه در سال های اخیر مشاهده شده است افزایش اعتبارات مربوط به بخش عمران روستایی اعم از تهیه و اجرای طرح های هادی، راه ها و آب و فاضلاب و دیگر خدمات مربوط به حوزه روستا است. فشار دولت بر دستگاه های ذیربط برای افزایش فعالیت خود در این حوزه بدون توجه و شناخت دقیق از نیازمندی های این بخش باعث شده است تا هرچند به عنوان مثال تعداد طرح های مصوب هر سال به میزان قابل توجهی افزایش یابد ولی از کیفیت طرح ها و مسیری که برای تهیه و اجرای هر طرح طی می شود کاسته گردد. برای رسیدن به طرح هایی که از ضمانت اجرایی بالایی برخوردار باشند باید در راه ارتقاء کیفی طرح ها گام های بلندی برداشت. به یاد آوریم این سخن را که "مدتی است دوران سیطره کمیت به سر آمده است. باید به کیفیت های محیطی توجه کرد و این خواست ملت ماست و وظیفه ما طراحان،

برنامه ریزان و معماران و هرکس که قلبش برای این مملکت می تپد!" (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۲۶)

۱-۲- عدم وجود منابع و استانداردهای معین

برای بخش روستایی

یکی از اصلی ترین مشکلات حوزه روستا نبود منابع مشخص و قابل استناد است. با توجه به اینکه حداقل به لحاظ امر طراحی بافت روستا، کار بسیار کمی روی این بخش صورت پذیرفته، می توان گفت اکثر برداشتهای فنی این حوزه متعلق به استانداردهای طراحی شهری است. کار وقتی پیچیده تر و غیراجرایی تر می شود که بخواهیم عمل تعمیم را به صورت معکوس یعنی از بزرگ به کوچک انجام دهیم. اصولاً این روستاها هستند که با افزایش جمعیت خود به صورت منفرد یا مجموعه ای باعث شکل گیری شهرها شده اند. پس به بیانی مختصر مشکل را می توان اینگونه بیان داشت: "انسان روستا را پدید آورد، روستا شهر را و شهر از روستا، مادر خود، غافل شد." (آسایش، ۱۳۸۳، ۱)

اصولاً این روستاها هستند که با افزایش جمعیت خود به صورت منفرد یا مجموعه ای باعث شکل گیری شهرها شده اند. پس به بیانی مختصر مشکل را می توان اینگونه بیان داشت: "انسان روستا را پدید آورد، روستا شهر را و شهر از روستا، مادر خود، غافل شد

در مجموع می توان دو دسته کلی وام گیری شهری را به بخش روستایی مشاهده کرد:

۱-۲-۱- تعمیم قوانین مکتوب شهری به روستا

قوانین و مصوبات شهری اکثراً برداشتهایی منطقی برخاسته از ضروریات زندگی شهری هستند که برای تسهیل امور اجتماعی و معیشتی مردم شکل گرفته‌اند. تعمیم این قوانین برای روستا به این دلیل حتی می‌تواند خطرناک محسوب شود که زندگی اجتماعی، اقتصادی و روابط انسانی در روستا با آنچه در شهر به وقوع می‌پیوندد کاملاً متفاوت، می‌باشد.

در بسیاری از موارد، شکل‌گیری عناصر شاخص بافت روستایی یا حتی مثلاً یک گذر ارتباطی در روستا حاصل تعاملات چندین ساله مردم و وضع قوانین عرفی است. این موضوع به خصوص زمانی بیشتر تشدید می‌شود که عاملی مانند مذهب یا سنت‌های محلی در یک روستا حاکم بر سایر ارزشهای موجود در زندگی روستاییان باشد. یک معبر ساده روستایی با عرض ۶ متر را در نظر بگیرید. اگر با دیدی کاملاً مجرد و انتزاعی و گسسته از بافت به آن بنگریم این معبر می‌تواند نقش یک گذر عبوری را بازی کند و نه بیشتر. حال فرض کنید که در طرح هادی مصوب عرض معبر به ۱۲ متر افزایش پیدا کند. چنین حالتی مسلماً با تخریب بخشی از جداره‌ها همراه است. در اینجا باز به لحاظ انتزاعی یک عمل ساده فیزیکی برای اجرای این معبر اتفاق خواهد افتاد. ولی اگر همین معبر در روستای مورد بحث مرز جدایی دو محله یا دو قبیله باشد موضوع به شدت متفاوت خواهد بود. زیرا اگر در بخشی از جداره‌ها متعلق به یک محله تخریب بیشتری از محله دیگر صورت پذیرد نه تنها از دلایل موفقیت طرح به میزان قابل توجهی می‌کاهد بلکه حتی می‌تواند باعث اغتشاشات اجتماعی و درگیریهای بین محله‌ای شود. در اینجا آنچه در طراحی لحاظ نشده استانداردهای طراحی

نیست بلکه کیفیت‌های روانشناختی و مسایل فرهنگی است که باید به عنوان بخشی از سیاست گذاری آینده در طرح دیده شود. عدم توجه به مسایل فوق می‌تواند تاثیر غیر قابل انکاری بر زندگی آینده روستا داشته باشد و موجب تخریب چهره فعلی آن و تبدیل آن از یک جامعه فعال و پویا به یک اجتماع منفعل و ایستا شود.

مساله دیگر به کارگیری سرانه‌های مصوب شهری در حوزه روستایی است. از نظر شهرسازی کارکردی، تعیین سرانه‌های شهری وسیله‌ای است برای افزایش کارایی شهر و سازمان‌دهی فضایی فعالیتهای مختلف و جلوگیری از بروز آشفتگی و بی‌سازمانی در نظام کارکردی شهر. از این نظر، سرانه‌های شهری کاری به اهداف کیفی و دراز مدت شهروندان، یعنی وصول به سعادت، آسایش و رفاه اجتماعی، عدالت اجتماعی و احساس رضایت ندارد. (پارس ویستا، ۱۳۸۰، ۳۱)

تعمیم چنین سرانه‌هایی به زندگی روستایی در حالی که آنها حتی در محیط شهری به درستی جواب پس نداده‌اند نه تنها باعث از بین رفتن اصول ارگانیک حاکم بر روستا می‌شود بلکه اثرات منفی محیطی و انسانی فراوانی را به همراه خواهد داشت.

۱-۲-۲- ورود عناصر شهری بدون هیچ تغییری به

حوزه روستایی

متأسفانه بسیاری از عناصر شهری در سالهای اخیر بدون عبور از یک مرجع مشخص که نقش تصفیه و پالایش آنها را به عهده داشته باشد به حوزه روستایی وارد می‌شوند و این عمل موجب ایجاد تضادهای ساختاری شدیدی با بافت روستا گردیده است. از جمله این موارد می‌توان به ساخت بلوارهای عریض

با جزیره‌های میانی پهناور، طرح و اجرای فلکه‌ها و نه میدان‌ها با شعاع چرخش بالا که تنها و تنها به حوزه شهری و حمل و نقل پیچیده آن مرتبط اند و تفکیک اراضی به صورت شطرنجی بدون توجه با ساختار فضایی و شکلی بافت اشاره کرد. چنین وام‌گیری‌هایی از شهر بیشتر حکم به تخریب سیمای روستا داده است تا نوسازی آن.

همین مساله فلکه‌ها را در نظر بگیرید. چیزی که اساساً و ماهیتاً شهری است. "فلکه‌ها (Round about) عبارتند از گشودگی‌های تقاطع محورها و جزیره‌ای، در وسط این گشودگی‌ها، دارای پوشش گیاهی، آب نما، فواره و بعضاً مجسمه که عملکرد غالب آنها توزیع حرکت سواره‌هاست. در طرح فلکه تنها چیزی که مطرح نیست حضور انسان و مفاهیم عمیق نهفته در فضای شهری است." (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۱۳۵)

متأسفانه بسیاری از عناصر شهری در سالهای اخیر بدون عبور از یک مرجع مشخص که نقش تصفیه و پالایش آنها را به عهده داشته باشد به حوزه روستایی وارد می‌شوند و این عمل موجب ایجاد تضادهای ساختاری شدیدی با بافت روستا گردیده است

بنابراین معنا و مفهوم فلکه چیزی جدای از میدان‌ها است. "فلکه‌ها محل توزیع و تفرق اند ولی میادین محل تجمع. در فلکه وجه غالب استفاده کنندگان سواره‌ها می‌باشند ولی در میدان پیاده‌ها. سواره‌ها به واسطه ویژگیهای خودرو هرگز موفق به ایجاد تجمعی بارور نمی‌شوند. متأسفانه اصرار بی دلیلی از طرف کارشناسان و مدیران شهری ما وجود دارد که اصطلاح میدان را جایگزین فلکه نمایند." (پاکزاد، ۱۳۸۶، ۱۳۶)

بنابراین بسیار ضروری و مهم است که در مورد آنچه که از نظام شهری برای روستا وام گرفته می‌شود اندیشه دقیقی صورت گیرد و درمورد بستر و جایگاهی که طرح یا طرحهای مورد بحث در آن شکل خواهد گرفت فکری اساسی شود. چراکه در غیر این صورت آنچه اجرا می‌شود محصولی است بیگانه که سنخیتی با بافت روستایی نخواهد داشت.

۲. نگاه درون فرآیندی (Internal-Processing)

اگر دید خود را متوجه درون فرآیند کنیم و توجه خود را متمرکز عوامل تهیه طرح نماییم، به شکل کلی می‌توان ۳ گروه اصلی را که در تهیه طرحها دخالت دارند، نام برد:

۱. مشاوران یا تهیه کنندگان
۲. کارشناسان بنیاد یا کنترل کنندگان
۳. اعضای کمیته فنی یا مصوب کنندگان

ابتدا باید به این نکته اشاره کرد که اصولاً چه معیاری موجب تعیین صلاحیت مشاوران این بخش می‌شود و آیا این معیار یا معیارها صحیح اند یا خیر. انتخاب مشاورین در این بخش بر اساس گریدهای اعطایی از طرف سازمان مدیریت و برنامه ریزی صورت می‌گیرد و مورد تایید ترین گریدهای این بخش بر اساس آیین نامه مشاوران، گریدهای مطالعات جغرافیایی و برنامه ریزی فضایی است. جالب توجه آنست که در توضیح این بخش از آیین نامه تمام عناوین با سرفصل مطالعات و ساماندهی تعریف شده‌اند و فقط برای طرح هادی از واژه تهیه طرحهای هادی روستایی استفاده شده است! (واحدی، ۱۳۸۳، ۵۴)

حال آن که ماهیت و معنای این کلمات کاملاً جدا و متمایز از یکدیگر است و اساساً مطالعه و برنامه ریزی کاری نظری و کمی ولی طراحی و تهیه طرح بیشتر عملی و تا حدی کیفی است. این امر خود باعث شده است تا مشاورانی که برای تهیه طرحها برگزیده می شوند بیشتر توجه خود را معطوف به مطالعات طرح نمایند. مطالعاتی که شاید هیچ وقت جنبه عملی پیدا نکند و رنگ اجرایی به خود نگیرد. علاوه بر این با توجه به اینکه معمولاً نفر اول چنین مشاورانی یک برنامه ریز روستایی است و نه یک طراح، طرحها وقتی به کمیته فنی وارد می شوند دچار نواقص طراحی هستند و علی رغم کنترل های کارشناسان بنیاد قبل از ورود به جلسه باز هم با اشکال مواجه می شوند. این قبیل مشاوران به دلیل کمبود اطلاعاتی در زمینه طراحی یا دلایلی مثل بستن زودتر طرح معمولاً به سرعت در برابر نظرات کمیته فنی تسلیم می شوند و به عوض دفاع کردن از آنچه درباره آن اندیشیده اند رویکردی منفعل اتخاذ کرده و هر آنچه را که از طرف کمیته فنی به آنها دیکته می شود به راحتی می پذیرند. تنها معدودی از مشاوران هستند که با بهره گیری توانان برنامه ریز و طراح یا معمار از این نقص مبری می باشند. به نظر می رسد برای بالا رفتن کیفی طرحها یک بازنگری کلی برای این بخش، به خصوص در آیین نامه مشاوران و دستورالعملهای مربوط لازم باشد تا مشاورانی که واقعا ظرفیت بالای کاری دارند به این بخش وارد شوند.

نکته مهم دیگر نبود راهکاری مناسب برای کنترل کاری مشاوران در فرآیند طراحی می باشد. این بخش بیشتر به گروه دوم یعنی کارشناسان بنیاد مرتبط است. متأسفانه راهکارهای اندیشیده شده از طرف دفتر مرکزی بنیاد تاکنون چندان موثر نبوده است. مثلاً در نظر گرفتن

فرمهایی که مشاور طی آن باید به جمع آوری امضای دهیاری، شورای اسلامی روستا، بخشداری و بنیاد مسکن شهرستان بپردازد! در عمل کاری بیهوده است که جز سندسازی برای آینده ارزش دیگری ندارد. یا طراحی فرمهای ارزیابی مشاوران توسط کارشناسان و کمیته فنی که متأسفانه از طرف اعضاء کمیته به هیچوجه جدی گرفته نمی شود.

چنین رویکردهایی تنها جنبه بروکراتیک داشته و به هیچ عنوان در عمل موفق نبوده، نیست و نخواهد بود. تنها زمانی می توانیم از ارزیابی یا کنترل دقیق کار مشاور صحبت به میان آوریم که خود در این مسیر پر پیچ و خم تهیه طرح با او همراه شویم نه به عنوان همکار بلکه به عنوان ناظری مسلط بر امور که هیچ چیز از نگاه تیزبین نقادانه اش به دور نمی ماند. از موارد زیر می تواند برای کنترل کیفی کار مشاور بهره گرفت:

۱. برگزاری جلسات هفتگی و ماهانه با مشاور و اخذ گزارش پیشرفت کار؛
۲. بازدید یک روستا به صورت تصادفی به همراه مشاور و با حضور دهیار و بخشدار؛
۳. بررسی گزینه های مختلف در طراحی و نه اتکاء به یک گزینه انحصاری؛
۴. توجه به بازه زمانی قرارداد و تاکید بر مشاوران به رعایت دقیق آن و جریمه کردن در صورت عدم اجرا،

گروه سوم در نقد فرآیند تهیه طرح هادی را کمیته فنی تشکیل می دهد. این گروه که کمیته ای متشکل از نمایندگان سازمانها و ادارات است در واقع وظیفه اصلاح و تصفیه طرح مشاور را برعهده دارد. از مشکلات اصلی این بخش اینست که چارچوب

مشخصی برای ارائه نظرات به مشاور تعریف نشده است و این باعث شده که اولاً نظرات در بعضی موارد حالتی غیر کارشناسانه و سلیقه‌ای پیدا کند و در ثانی وظیفه هر عضو در کمیته به درستی مشخص نشود. معمولاً سخن غالب در هر جلسه توسط یک یا دو نفر ارائه می‌شود و باقی اعضا نقش کمرنگی را در بیان نظرات ایفا می‌کنند.

تنها زمانی می‌توانیم از ارزیابی یا کنترل دقیق کار مشاور صحبت به میان آوریم که خود در این مسیر پر پیچ و خم تهیه طرح با او همراه شویم نه به عنوان همکار بلکه به عنوان ناظری مسلط بر امور که هیچ چیز از نگاه تیزبین نقادانه‌اش به دور نمی‌ماند

از سوی دیگر چون معمولاً همین اعضا در جلسه کارگروه معماری و شهرسازی نیز هستند اصرار مشاور و پافشاری کارشناسان بنیاد بر یک عقیده یا نظر منجر به ارجاع موضوع به کارگروه می‌شود که نتیجه‌اش عموماً تحمیل عقاید اعضا بر مشاوران و کارشناسان خواهد بود. در راستای اصلاح این جلسات می‌توان پیشنهادات زیر را مطرح کرد:

۱. تدقیق وظایف اعضا و مشخص شدن حیطه کاری هر نماینده؛
۲. معین نمودن حق رای برای هر عضو و در صورت عدم اتفاق نظرات، رای گیری؛
۳. نظارت بر حضور دقیق اعضا در جلسات و ارزیابی فعالیت کاری هر فرد به وسیله تشکیل کمیته ارزشیابی،

کمیته مذکور می‌تواند نقش هدایتی موثری را برای پیشبرد اهداف کیفی طرحها ایفا نماید و موجب بهبود روند تهیه طرح شود.

در مجموع راه حل هایی که در اینجا مطرح شد، مواردی است که می‌تواند به ساماندهی بهتر فرآیند طرح هادی کمک موثری کند ولی باید توجه داشت که اصولاً به دلیل پیچیده بودن روند و تعدد عوامل شرکت کننده در آن رسیدن به یک نقطه ایده آل محتاج صرف زمان، هزینه و برنامه ریزی دقیق است. آنگونه برنامه‌ریزی که بر تجارب گذشته بنا شود نه آنکه به صورتی مجرد و انتزاعی طرح و اجرا گردد.

نتیجه‌گیری

آنچه در این نوشتار مطرح شد در واقع حرکتی سریع بود بر داشته‌هایی که در عمل برای تهیه یک طرح هادی اتفاق می‌افتد. از آنجا که ماهیت تهیه طرح فرآیندی طولانی و پیچیده است، بررسی و تحلیل جایگاه عناصر شرکت کننده در آن نیز بحث پیچیده‌ای را می‌طلبد و با نگاهی گذرا هرگز نمی‌توان به دامنه وسیع طرح اشراف پیدا کرد.

همانطوری که در مقدمه مقاله مطرح شد، اصلی‌ترین مشکل در بحث طرحهای هادی نبود یک نظام منسجم فکری و یک مفهوم استوار از طرح در گستره معناشناسی طرحهای روستایی و شهری است. این مشکل نه تنها در حوزه ادبیات حرفه‌ای مرتبط با طرح هادی وجود دارد، بلکه رد پای آن در نظام آموزش عالی و دانشگاه‌های ما نیز دیده می‌شود. البته در سالهای اخیر تلاشهای خوبی در جهت تخصصی کردن بحث روستا در نظام دانشگاهی صورت

پروژه های بخش روستایی میسر می باشد. امید است با فعالیت بیشتر دانشگاه های کشور در این زمینه و نیز همسو شدن فعالیتهای علمی با راهبردها و اسناد توسعه اجرایی عمق نگاه کیفی به این بخش هر روز بیشتر و بیشتر شود.

فهرست منابع

- آسایش، حسین، کارگاه برنامه ریزی روستایی (رشته جغرافیا)، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران، ۱۳۸۳.
- پاکزاد، جهانشاه، مقالاتی در باب طراحی شهری، انتشارات شهیدی، تهران، ۱۳۸۶.
- جنکر، چارلز، پست مدرنیسم چیست؟، ترجمه فرهاد مرتضایی، نشر مرندیز، ۱۳۷۶.
- دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، مقررات شهرسازی و معماری و طرح های توسعه و عمران مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران (از تاریخ تاسیس تا پایان شهریور ۸۳)، نشر تهرانی، تهران، ۱۳۸۳.
- شیعه، اسماعیل، با شهر و منطقه در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ۱۳۷۸.
- مهندسین مشاور پارس ویستا، تدوین سرانه های کاربری خدمات شهری، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، تهران، ۱۳۸۰.
- واحدی، محمد حسن و قدوسی، ابولفضل و غنی آبادی، محمد، مشاوران و آیین نامه ها و دستورالعملها، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی خراسان رضوی، مشهد، ۱۳۸۳.

- Cowan, Robert, the Dictionary of Urbanism, Streetwise Press, 2005

پذیرفته است که خود می تواند چشم انداز روشن تری را برای آینده اینگونه طرحها ترسیم کند.

بخش مهمی از نقد هر فرآیند بازبینی و نقد قوانین حاکم بر آن فرآیند است. علاوه بر این، در روند تهیه طرح هادی عوامل مختلفی شرکت دارند که برای یک تحلیل درست بایستی آنها را نیز به خوبی شناخت. در بحث قوانین متاسفانه به دلیل عدم وجود منابع و استانداردهای معین برای بخش روستایی، شاهد ورود قوانین و استانداردهای شهری به صورت مستقیم و بدون یک شناخت صحیح از نیازمندیهای زندگی روستایی بوده ایم که این باعث شده تا از ضمانت اجرایی طرحها به میزان قابل توجهی کاسته گردد. همچنین وام گیری از عناصر شهری و استفاده از آنها در طراحی روستا براین مشکل افزوده است. از سوی دیگر، در نقد عوامل شرکت کننده در تهیه طرح یعنی مشاوران، کارشناسان بنیاد و اعضا کمیته فنی می توان از لزوم بازنگری در روش انتخاب مشاوران، توجه به بازه زمانی طرح و تاکید بر اجرای آن از طرف مشاوران و نظارت بر حضور موثر اعضا کمیته فنی و تشکیل کمیته ارزشیابی برای ارزیابی فعالیت کاری هر نماینده و مشخص کردن حیطه کاری هر عضو نام برد.

به هر حال روشن است که بعلت کثرت عوامل شرکت کننده در تهیه و تصویب طرح هادی و پیچیده بودن فرآیند، بررسی و تحلیل دقیق مشکلات و ارائه راه حل های کارا نیازمند مشارکت گروه های مختلف علمی است و از سوی دیگر اجرای کامل طرح نیز با اطلاع و آموزش همه جانبه دست اندرکاران توسعه روستا از دهیار روستا به عنوان متولی سیاست گذاری در سطح روستا گرفته تا بخشداران و فرمانداران و حتی استانداران به عنوان حمایت کنندگان در سطح کلان